

فرازهایی از بیانات و رهنمودهای مقام معظم رهبری در دیدار مسئولان اقتصادی و دست اندرکاران اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی - تاریخ ۸۵/۱۱/۳۰

❖ خلاصه ی سیاستهای ابلاغی اصل ۴۴ عبارت است از آزاد شدن دولت از فعالیتهای اقتصادی غیر ضرور، باز شدن راه برای حضور حقیقی سرمایه گذار در عرصه ی اقتصاد کشور، تکیه بر تعاون - شرکتهای تعاونی - و چتر گسترده شرکتهای تعاونی بر روی اقشار ضعیف مردم، پراختن دولت به آداب و قواعد نقش حاکمیتی، سیاستگذاریهای اجرائی و ایفای نقش حاکمیتی و صرف چگونگی مصرف درآمدهای ناشی از این واگذاری در بخشهایی که ذکر شده و بعد، الزامات دولت در امر واگذاری. این، خلاصه ی سیاستهای ابلاغی اصل ۴۴ است.

- ❖ ما وقتی به صورت کلان به زمینه ی اقتصاد اسلامی نگاه می کنیم دو تا پایه ی اصلی مشاهده می کنیم.
- ❖ هر روش اقتصادی، هر توصیه و نسخه ی اقتصادی که این دو پایه را بتواند تامین کند، معتبر است.
- ❖ هر نسخه ای هر چه هم مستند به منابع علی الظاهر دینی باشد و نتواند این دو را تامین کند اسلامی نیست.

۱- افزایش ثروت ملی

- ❖ کشور اسلامی باید کشور ثروتمندی باشد، کشور فقیری نباید باشد؛ بتواند با ثروت خود، با قدرت اقتصادی خود، اهداف والای خودش را در سطح بین المللی پیش ببرد.
- ❖ برای اینکه بتوانیم کشور را از لحاظ ثروت ملی به حد استغناء و بی نیازی برسانیم، باید سرمایه گذاری و فعالیت اقتصادی و تولید ثروت در معرض انتخاب همه ی آحاد فعال کشور قرار بگیرد، یعنی همه باید بتوانند در این زمینه فعالیت کنند. دولت باید از آن حمایت کند. قانون باید از آن حمایت کند.
- ❖ خیل عظیم نیروهای جوان تحصیل کرده و مدیران مجرب و لایق باید بتوانند پروژه های بزرگ و فعالیتهای کار آفرین و ثروت آفرین کشور را به دست بگیرند، اجرا کنند و پیش ببرند. باید بتوانند. کشور از لحاظ منابع مادی و از لحاظ منابع انسانی قوی است.

۲- توزیع عادلانه و رفع محرومیت در درون جامعه ی اسلامی

- ❖ اگر تولید ثروت نشود، اگر ارزش افزوده در کشور بالا نرود، ما نمی توانیم محرومیت را بر طرف کنیم، نخواهیم توانست فقر را بر طرف کنیم.

معرفی اقتصاد اسلامی به دنیا بعنوان مدل و الگوی اقتصادی موفق

سهام عدالت

- ❖ ما باید می توانستیم یک الگوی موفق از اقتصاد به دنیا عرضه کنیم.
- ❖ ما باید هم کارآمدی در جهت رشد و رونق عدالت را به دنیا نشان می دادیم.
- ❖ البته کارهای بسیار مهمی انجام گرفته، لکن به آن سطحی که باید می رسیدیم، قطعاً نرسیدیم و این برای ما دردناک است.
- ❖ پایه اولی شرط پایه دومی است، بنابراین هر دو تا لازم است.
- ❖ شما که متفکر اقتصادی هستید و پایبند به مبانی اسلامی، طرحتان را بیاورید. باید این دو تا در آن طرح تامین شود. اگر این دو در آن طرح تامین نشد، آن طرح اختلال دارد، ایراد دارد.

- ❖ وقتی مساله سهام عدالت مطرح شد ما از این کار استقبال کردیم، احساس کردیم اینکه حداقل دو دهک پایین جامعه را از یک سهمی در یک سرمایه مشغول کار و مشغول تولید و درآمدزا برخوردار کنیم. یک فرصت بسیار مهمی است. گفتیم این سهام را با تخفیف و با امهال بدهند.
- ❖ این سیاستها به معنای چوب حراج زدن بر ثروت دولت نیست. به هیچ وجه ما مایل نیستیم و اجازه نمی دهیم که ثروتهای دولت که مال مردم است، چوب حراج زده شود و از بین برود. نه، این تبدیل این موجودی کم بازده و بی بازده یا کم اثر به یک موجودی پر اثر و پیش برنده ی اقتصاد کشور است و البته در کنار این، سوق دادن ثروتهای عمومی، یعنی بیت المال به سمت اقشار محروم است.

❖ **قارون یک نمونه ی کامل و یک ثروتمند نامطلوب از نظر اسلام و قرآن و شرع و همه است. این آیه شریفه را ملاحظه کنید ، سوره ی قصص، آیات مربوط به قارون :**

❖ **« وابتغ فيما اتاك الله الدار الاخره و لاتنس نصيبك من الدنيا و احسن كما احسن الله اليك و لاتبع الفساد في الارض ان الله لا يحب المفسدين.»**

❖ دو چیز را با هم نباید مخلوط کرد. یکی، تولید ثروت است. کسی فعالیت کند به شکل صحیحی و ثروت تولید کند. یکی، نحوه ی تولید و نحوه ی استفاده است. بخش اول قضیه، چیز مطلوبی است. چون هر ثروتی که در جامعه تولید می شود به معنای ثروتمند شدن مجموع جامعه است. بخش دوم، که در بخش حساس است، این است که چگونگی تولید مورد توجه قرار بگیرد. از راههای غیر قانونی، با استفاده ی از تقلبات و تخلفات نباشد. مصرف او، مصرف نامطلوبی از نظر شرع نباشد. بتواند مثل خونی در رگهای جامعه جریان پیدا کند، صرف در فساد نباشد.

تفکیک
تولید
ثروت با
نحوه ی
تولید
ثروت

❖ **« وابتغ فيما اتاك الله الدار الاخره »**

❖ آنچه که خدا به تو داد، این را وسیله ی به دست آوردن آخرت قرار بده.

❖ در روایات ما هم هست : « نعم العون الدنيا على الاخره »

❖ از این ثروت برای آباد کردن آخرت استفاده کن.

تحصیل
آخرت

❖ **« و لاتنس نصيبك من الدنيا »**

❖ سهم خودت را هم فراموش نکن، خود تو هم سهمی داری، یعنی نصیبی داری. آن را هم ما نمی گوئیم که استفاده نکن. خودت بهره مند نشو از این ثروت. نه ، بهره مند هم بشو، مانعی ندارد.

بهره
مندی از
ثروت

❖ **« و احسن كما احسن الله اليك »**

❖ خدا به تو این ثروت را داده. تو هم وسیله ای بشو که بتوانی این ثروت را به دست مردمی که نیازمندند، برسانی. یعنی سهمی از این را به مردم بده.

رسیدگی
به
نیازمندان

❖ **« و لاتبع الفساد في الارض »**

❖ فساد ایجاد نکن. آفت ثروت که باید از آن جلوگیری کرد، ایجاد فساد است. متترف نشو. به او نمی گویند ثروت جمع نکن، یا از این ثروتی که داری، برای ازدیاد آن استفاده نکن. یا آن را به کار تولید و سازندگی و تجارت نزن می گویند سوء استفاده نکن. از این ثروت استفاده خوب بکن. که بهترین استفاده این است که آخرت را آباد کنی. نصیب خودت را هم داشته باش. سهم خودت را هم داشته باش. منطق اسلام این است.

پرهیز
از
فساد

معیارها و موازین تولید ثروت از دیدگاه اسلام

❖ **ثروتمند شدن از راه قانونی و مشروع، از نظر اسلام هیچ اشکالی ندارد.**

❖ **ما هیچ وقت نگفتیم که اگر کسی فعالیت قانونی و مشروع بکند و ثروتی به دست بیاورد، از نظر شرع نامطلوب است. هیچ کس این را نگفته و نمی گوید، افرادی که دین را می شناسند و قرآن را می شناسند.**

❖ **چرا بیخود در بیرون منعکس بشود که نظام اسلامی و مسئولان کشور، تا کسی بخواهد یک مقدار پول به دست بیاورد، اخمهاشان را در هم می کنند. احساس بغض و نفرت نسبت به او می کنند. این جور نیست. واقعیت این نیست.**

حرکت جهادی

- * این کار، یعنی اجرای این سیاستها، مخالفان و دشمنانی دارد. چون دشمنانی دارد، پس تلاش در اجرای این سیاستها یک نوع جهاد است.
- * هر تلاشی که در مقابله ی با دشمنان باشد، مجاهدت است و در عرف اسلامی اسمش جهاد است. اگر با اخلاص و درست انجام بگیرد.
- * « **دشمنان چه کسانی هستند ؟** »
- * بعضی از مخالفان نمی خواهند با اجرایی شدن این سیاستها، کمبودها برطرف شود. اصلاً نمی خواهند نظام اسلامی آن شکوفایی و پیشرفت اقتصادی و رونق اقتصادی را داشته باشد. روی فشار اقتصادی بر کشور برنامه ریزی کرده اند. خار جیها از این قبیلند.
- * یکی از چیزهایی که می تواند این فشارها را کم کند یا تأثیرش را بسیار کم کند، همین اجرای این سیاستهاست.
- * بعضی در وضع کنونی منفعی دارند، ذی نفع اند و دلشان نمی خواهد این وضعیت به هم بخورد. از اینکه اجازه یک مدیر، گردش قلم یک مدیر بانک مسئول، حالا در هر جا توانایی این را داشته باشد که خیلی از این چیزها را جابجا بکند این را مغتنم می شمارند و نمی خواهند از بین برود.

داشتن سرعت عمل بدون شتاب زدگی

- * علت اینکه من با دوستان خواستم صحبت بکنم این بود که همه توجه کنند، که در بخشهای خودشان اجرای این کار را تسهیل کنند.
- * سرعت عمل که می گوئیم، مرادمان شتاب زدگی نیست، سرعت عمل بدون شتاب زدگی یک مقطعی را مشخص کنند و کارها را پیش ببرند و نتایج کارها را به مسئولان بالاتر گزارش بدهند.
- * سرعت بخشیدن به کار منافع ندارد به اینکه کار شتابزده انجام بگیرد. یعنی مطالعات را بکنند و اطرافش را هم درست بسنجند با آدمهای صاحب نظر مشورت بکنند این یک وظیفه است که همه باید در کار خودشان جدی باشند.

مدنظر قراردادن همه بخشهای این سیاستها

- * **این سیاستها از بند « الف » دارد تا بند « ه » پنج بند است.**
- * بند « الف » که خودش دو بخش است: یک بخش آزاد کردن دولت از بار سنگین شرکتی است که در ذیل اصلی ۴۴ به آن شرکتها اشاره شده. یعنی چیزهایی که مربوط به صدر اصل ۴۴ بود و باید خودش را زودتر از اینها خلاص کند. یک بخش دیگر این است که به مردم، به بخشهای خصوصی و تعاونی اجازه داده شود که در مواردی که مشابه صدر اصل ۴۴ هست، سرمایه گذاری کنند.
- * بند « ب » مربوط به تعاونی هاست و خصوصیتی که مربوط به تعاونیهاست در آن ذکر شده.
- * بند « ج » مربوط به واگذاریهاست. یعنی واگذاری همان شرکتی که در صدر اصل ۴۴ آمده. با یک استثنایی. چند استثنا در آنجا ذکر شده.
- * بند « د » باز خودش دو بخش دارد: یک بخش الزامات، که دولت کارهایی را باید انجام بدهد تا این انتقال صحیح انجام بگیرد و تسهیل بشود و بخش خصوصی به این کار رغبت پیدا کند. یک بخش هم مربوط به مصارف درآمدهای اینهاست که وقتی به بخش خصوص یا تعاونی واگذار می کنند ما به ازای او و در آمد او که در دولت می آید، در کجا مصرف شود.
- * بند « ه » مربوط به سیاستهای حاکمیتی دولت است. دولت سیاستهای حاکمیتی خودش را باید حفظ کند. برنامه گذاری کند، سیاستگذاری کند، هدایت کند، در یک موارد خاصی سرمایه گذاری کند، متمرکز بشود. در یک موارد خاصی.
- * همه ی این بندها باید با هم مدنظر قرار بگیرد والا ما بعضی از این بندها را جلو بیندازیم، بعضی از بندها را فراموش کنیم، این عدم تعادل به وجود خواهد آمد و درست نیست.

شفاف سازی مقررات و قوانین

- * مقررات را بایستی شفاف کرد که جای توجیه و تبدیل و تعبیر و تأویل نباشد. راههای تقلب بسته بشود، جلوی کسانی که اهل سوء استفاده از ظواهر قوانین هستند، گرفته شود.
- * باید مقررات را شفاف کنند، راهها را کوتاه کنند، پیچ و خمهای اداری را کم کنند. اینکه اختیار یک فعالیت اقتصادی ناگهان برگردد به دست یک مأموری که پشت فلان میز و فلان اداره نشسته، که او بتواند بگوید آری یا نه، و سرنوشت یک کار را فراهم بکند، این بزرگترین ضربه است. این مأمور در معرض خطر است، در معرض لغزش است. باید کاری کرد که این، پیش نیاید، باید قواعد و قوانین و روشها اصلاح شود و بر اساس آنچه که در اینجا هست. تغییر پیدا کند.
- * مرکز پژوهشهای مجلس و بخشهای مربوط به این مسئله در مجلس، باید واقعاً به قوانینی که لازم است. بپردازند و اینها را تهیه کنند. فراهم کنند و با دولت هم همکاری و همفکری کنند.

اطلاع رسانی به مردم

- * مردم باید در جریان جزئیات کار قرار بگیرند و بدانند در کجا می توانند فعالیت اقتصادی کنند. کجا می توانند سرمایه گذاری کنند، چطور می توانند در یک تعاونی وارد شوند. غالب مردم بی اطلاعند.